

بررسی رابطه بین شاخص‌های اقتصادی و گرایش به اسلام افراطی در آسیای مرکزی (مورد مطالعه: داعش)

محسن دیانت

استادیار علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور

محمد فرهادی*

دکتری علوم سیاسی، گرایش مطالعات منطقه‌ای آسیای مرکزی و روسیه،

دانشگاه آکادمی علوم تاجیکستان

مجتبی عباسی قادی

دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آکادمی علوم تاجیکستان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۰۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۰۲/۲۷)

چکیده

این نوشتار به دنبال بررسی رابطه بین شاخص‌های اقتصادی پنج کشور هم‌سود قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان و قرقیزستان و تاجیکستان و نقش آن‌ها در گرایش به سمت اسلام افراطی در آسیای مرکزی است. از این منظر پس از ارائه رویکردهای نظری برای تبیین موضوع با استفاده از روش کمی و از نوع تحلیل ثانویه با رجوع به آمار و ارقام شاخص‌های توسعه اقتصادی منتشرشده در سایت مؤسسه مطالعات بین‌الملل فنلاند (۲۰۱۵) آن را بررسی می‌کنیم. پرسش اساسی نوشتار حاضر آن است که آیا بین شاخص‌های اقتصادی و گرایش به اسلام افراطی در آسیای مرکزی رابطه‌ای وجود دارد؟ فرضیه اول: «بین شاخص‌های توسعه اقتصادی کشورهای هم‌سود که داعش از میان آن‌ها عضوگیری کرده است؛ تفاوت معناداری وجود دارد». فرضیه دوم: «بین شاخص‌های توسعه اقتصادی کشورهای هم‌سود مورد بررسی و گرایش به گروه داعش رابطه معناداری وجود دارد». یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد: ۱. میان شاخص‌های اقتصادی همچون نرخ بیکاری، درصد جمعیت زیر خط فقر، شاخص انجام فعالیت‌های تجاری، سرانه تولید ناخالص داخلی و امتیاز آزادی اقتصادی تفاوت معناداری در پنج کشور مورد بررسی وجود دارد؛ ۲. میان شاخص‌های اقتصادی مانند نرخ بیکاری، شاخص انجام فعالیت‌های تجاری، سرانه تولید ناخالص داخلی و امتیاز آزادی اقتصادی و گرایش به گروه داعش در پنج کشور مورد بررسی رابطه و همبستگی معناداری وجود دارد. در این میان، شاخص امتیاز آزادی اقتصادی و سرانه تولید ناخالص داخلی به ترتیب با میزان همبستگی $-0/31$ و $-0/13$ - بیش از سایر شاخص‌های اقتصادی، همبستگی معناداری را در گرایش شهروندان به گروه داعش نشان می‌دهند. سرانجام عامل توسعه اقتصادی (شاخص کل) با میزان $-0/57$ - بیانگر همبستگی به نسبت قوی این عامل با گرایش شهروندان به گروه داعش است.

کلیدواژه‌ها

اسلام افراطی، آسیای مرکزی، داعش، شاخص‌های اقتصادی، نرخ بیکاری.

مقدمه

پس از فروپاشی اتحاد شوروی، مسئله بازگشت میلیون‌ها مسلمان آسیای مرکزی به جهان اسلام، توجه بسیاری از تحلیلگران را به خود جلب کرد. در حقیقت، فروپاشی اتحاد شوروی نه تنها سبب استقلال پنج جمهوری آسیای مرکزی شد، بلکه اسلام را از ایمان اقلیت (به سبب امکان بروز نداشتن تمام و کمال در دوره اتحاد شوروی) به ایمان اکثریت تبدیل کرد. این حقیقت که دین می‌تواند به‌عنوان عنصری قوی در هویت سیاسی در نظر گرفته شود، مانند ملی‌گرایی به‌عنوان ویژگی بارز سیاست خارجی در روابط بین‌الملل معاصر در آسیای مرکزی مدنظر قرار گرفت. به بیان دیگر، بازگشت این کشورها به عرصه فرهنگ اسلامی تا حدی بود که از این عامل به‌عنوان یکی از ویژگی‌های ملی نیز در این کشورها بهره‌برداری شد. تهدید گسترش بنیادگرایی اسلامی در سه کشور تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان بیش‌تر خودنمایی کرد. در تاجیکستان، جنگ داخلی که از سال ۱۹۹۲ بین کمونیست‌ها و نیروهای ملی-اسلامی درگرفته بود، موجب به‌وجود آمدن نگرانی‌هایی از قوت‌گیری اسلام افراطی و بنیادگرایانه شده بود. زمینه‌ای برای این‌گونه تمایلات به‌ویژه در دره فرغانه وجود داشت و در صورت تشدید می‌توانست ازبکستان و قرقیزستان را نیز به‌طور مستقیم درگیر کند (Azizi, 2012: 35). در گرایش شهروندان کشورهای هم‌سود به اسلام افراطی و بنیادگرایانه عامل‌های مختلفی را می‌توان در حوزه‌های روانی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مطرح ساخت. اما تمرکز نوشتار حاضر بر عامل‌های اقتصادی و نقش آن‌ها در گرایش به گروه‌های افراطی است. از جمله این عامل‌ها می‌توان به‌وجود فقر، بیکاری، نبود آزادی اقتصادی، سرانه پایین تولید ناخالص ملی، فساد اداری، نابهنجاری‌های اجتماعی و فردی، احساس نارضایتی از زندگی، کیفیت مناسب نداشتن زندگی شهروندان، شکل‌نگرفتن حکومت دموکراتیک اشاره کرد که هر یک از این عامل‌ها به‌منظور مقابله با پدیده ناپسند عصر حاضر نیازمند بررسی نظری و تجربی هستند.

با توجه به آنچه بیان شد، پژوهش حاضر بر آن است تا با رویکرد جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی سیاسی به تبیین نظری و تجربی شاخص‌های اقتصادی، بر گرایش شهروندان کشورهای هم‌سود به اسلام افراطی و به‌ویژه گروه داعش بپردازد. بنابراین پرسش اساسی پژوهش آن است که آیا بین شاخص‌های اقتصادی و گرایش به سوی اسلام افراطی در آسیای مرکزی (مورد مطالعه: داعش) رابطه وجود دارد؟

دلیل‌های گسترش خوانش افراط‌گرایانه از دین در آسیای مرکزی

گسترش ایده‌های افراط‌گرایانه از دهه ۱۹۹۰ سبب شده است خوانش‌های میانه‌رو از اسلام در منطقه آسیای مرکزی که بیش‌تر مبتنی بر اسلام سنتی هستند به کنار رانده شوند. امروزه

گسترش تفکرهای افراطی برای همه جوامع آسیای مرکزی تهدیدی جدی است. از سوی دیگر می‌توان در سال‌های اخیر شاهد نوعی اشتراک میان بسترهای جنایی ناشی از خلأ قدرت و تفکرهای افراطی در منطقه آسیای مرکزی بوده‌ایم که این امر می‌تواند به وخیم‌تر شدن بیشتر اوضاع بینجامد. در حقیقت اسلام در شرایط پسا شوروی نه تنها سبب استقلال پنج جمهوری آسیای مرکزی شد؛ بلکه از ایمان اقلیت (به سبب امکان بروز نداشتن تمام و کمال در دوره اتحاد شوروی) به ایمان اکثریت تبدیل شد. این حقیقت دارد که دین می‌تواند به عنوان عنصری قوی در هویت سیاسی در نظر گرفته شود و آن را مانند ملی‌گرایی به عنوان ویژگی بارز سیاست خارجی در روابط بین‌الملل معاصر در آسیای مرکزی مدنظر قرار داد (Azizi, 2012: 2-3).

با اینکه گرایش به جرم و جنایت پس از فروپاشی اتحاد شوروی و نهادهای وابسته به آن به شکل موجی در تمام آسیای مرکزی ظاهر شد، موج اخیر جرم و جنایت در این منطقه رگه‌هایی از گفتمان افراطی مذهبی در خود دارد که پیشتر از این در قفقاز شمالی و به ویژه مناطقی چون تاتارستان ظاهر شده بود (Heathershaw and Montgomery, 2015: 8-10). تفسیرهای افراط‌گرایانه از اسلام در زمان‌های مختلفی در مناطق مختلف آسیای مرکزی شروع به ظهور کردند. این مسئله در اثر ارتباط با کشورهای اسلامی خارج از منطقه از جمله عربستان سعودی و سایر کشورهای خاورمیانه و فرستادن تعداد زیادی مبلغ مسلمان به آسیای مرکزی و قفقاز شدت بیش‌تری به خود گرفته است (Koolae, 2010: 340).

با اینکه برخی رهبران اسلامی محلی در ازبکستان و تاجیکستان از سال‌های ابتدای دهه ۱۹۹۰ به سوی افراطی شدن رفتند، این موضوع در نیمه دوم سال‌های ۲۰۰۰ در قزاقستان و قرقیزستان پدیدار شد که دلیل آن نیز بازگشت موجی از دانشجویان مدرسه‌های دینی از برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس چون عربستان سعودی و قطر بود. این طلبه‌ها تأثیرهای عمیقی بر نسل جوان طبقات اجتماعی مختلف این کشورها گذاشتند. از سوی دیگر، از سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۰ برخی گروه‌های رادیکال از مناطقی چون قفقاز شمالی ارتباط‌هایی با برادران خود در قزاقستان و برخی اعضای گروه‌های جنایی زیرزمینی این منطقه برقرار کرده‌اند. اهمیت این موضوع از آنجاست که امروزه دین، نقش بسیار پررنگی در آسیای مرکزی دارد. نقش اسلام در حیات شخصی و اجتماعی ساکنان آسیای مرکزی، صرف‌نظر از نژاد و ملیت این مردمان، به شکل بسیار چشمگیری افزایش یافته است و در آینده نیز با توجه به تهدیدهای ناشی از حضور داعش و تلاش این گروه برای جذب اعضای بیشتر از منطقه آسیای مرکزی و بازگشت این جنگجویان شاهد پیچیدگی‌های خاصی خواهیم بود (Chatham House, 2015: 8-10). این در حالی است که دو کشور قزاقستان و قرقیزستان دیرتر از سایر دولت‌های آسیای مرکزی با تهدیدهای افراط‌گرایی روبه‌رو شدند. با اینکه فعالیت‌های گروه‌های رادیکال خیلی

زود شناسایی شد؛ اما این کشورها تا سال ۲۰۱۰ و وقوع رشته‌ای از اقدام‌های تروریستی از فعالیت گروه‌های افراطی در آسیای مرکزی تأثیری نپذیرفتند. در نتیجه، دولت قزاقستان با تصویب مجموعه‌ای از قوانین جدید تلاش کرد حوزه فعالیت‌های دینی را قانونمند سازد و با پیاده‌سازی قوانین، نظارت دولتی را بر فعالیت‌های سازمان‌های دینی شدیدتر کند. علاوه بر این، دولت تلاش کرد در نوع نگاه خود به این سازمان‌ها اولویت‌هایی قائل شود. قرقیزستان نیز با تصویب قوانین جدیدی در سال ۲۰۰۸، محدودیت‌های بیشتری برای فعالیت سازمان‌های مذهبی ایجاد کرد. مؤسسه امور دینی قرقیزستان یک راهبرد خاص دینی را برای سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۵ پذیرفت که اولویت‌های خاصی برای همکاری با جوامع مسلمانان حنفی این کشور قائل شده بود (Mahnovski and Others, 2006: 9-15). برخلاف این سیاست‌های محدودیت‌زا و کنترل‌کننده، سیاست‌های اولیه هردوی این کشورها نسبت به گروه‌های دینی و به‌خصوص مسلمانان به‌مراتب آزادی‌های بیشتری برای آنان فراهم می‌ساخت. برای نمونه در ژانویه ۱۹۹۲ و یک ماه پس از استقلال، دولت قزاقستان با تصویب قانونی تلاش کرد فعالیت سازمان‌های مذهبی را قانونمند سازد. این رویکرد تا حد زیادی به احیای فعالیت‌های دینی در این کشور کمک کرد. با این حال با گذر زمان و نفوذ گروه‌ها و اندیشه‌های افراطی به این کشور، بخش‌های زیادی از جامعه در تأثیر تفکر افراطی قرار گرفتند. در این شرایط همان‌طور که گفته شد دولت‌های کشورهای منطقه تلاش کردند با تصویب قوانین جدید، ضمن محدود کردن فعالیت‌های دینی، نظارت‌های شدیدی را بر سازمان‌های دینی اعمال کنند. فشارهای دولتی در کنار اوضاع نابسامان اقتصادی، فساد گسترده اداری، فساد مقام‌های محلی، زیرساخت‌های نامناسب و مسائلی دیگر سبب تقویت گرایش‌های افراطی در میان قشر عظیمی از ساکنان آسیای مرکزی و به‌ویژه قشر جوان این منطقه شد که تا حد زیادی به‌واسطه شرایط نامساعد به حاشیه رانده شده بودند (Mahnovski and Others, 2006: 9-15). این تهدید زمانی ملموس‌تر خواهد شد که اسلام به عامل ایجاد پیوند و نزدیکی جمهوری‌های آسیای مرکزی با جهان اسلام شود (Karami, 2004: 170-171).

چارچوب نظری

به‌طور کلی نظریه‌های گوناگونی زیر رویکردهای کج‌روی و آسیب‌های اجتماعی برای تبیین نظری رفتارهای کج‌روانه از جمله اقدام به خشونت (دگرگشی و رفتارهای تخریبی)، عملی که توسط اعضای گروه داعش انجام می‌گیرد وجود دارد که از جمله آنان می‌توان به نظریه فشار عمومی رابرت اگنیو، نظریه احساس محرومیت نسبی پی‌تر و جودیت بلاو، و نظریه نابهنجاری

رابرت مرتن اشاره کرد. در ادامه به هر یک از رویکردهای ذکرشده در رابطه با موضوع این پژوهش پرداخته می‌شود.

نظریه فشار عمومی رابرت اگنیو

نظریه عمومی فشار رابرت اگنیو نه ساختاری است و نه فردی. این نظریه تلاش می‌کند تا وقوع جرائم و بزهکاری‌هایی را تبیین کند که ناشی از فشارهایی است که فرد در زندگی با آن روبه‌رو می‌شود. همچنین این نظریه می‌تواند مقیاس‌های فشار، انواع اصلی فشار، رابطه بین فشار و بزهکاری، رویکردهای تقابلی به فشار، عامل رفتار بزهکارانه یا غیربزهکارانه و نظریه‌های سیاسی را تعریف کند که منبعشان این نظریه است (Aliverdina, 2011: 97). بر خلاف نظریه‌های پیشین فشار که فقط بر فشار اقتصادی متمرکز بودند، اگنیو به پیچیده‌بودن فشار در جامعه نو تأکید دارد.

بنابر گفته‌های اگنیو، هر نوع فشار احتمال مشاهده احساسات و عواطفی منفی مانند ناامیدی، افسردگی، ترس و از همه مهم‌تر خشم را افزایش می‌دهد. خشم نیز حس صدمه‌دیدن و بی‌عدالتی را افزایش می‌دهد و تمایل به انتقام را به وجود می‌آورد و افراد را برای عمل کردن برمی‌انگیزد و موانع آن را نیز کاهش می‌دهد. بنابر نظریه فشار عمومی رابرت اگنیو، افرادی که در معرض فشار مکرر قرار می‌گیرند، بیشتر احتمال دارد که مرتکب کارهای کج‌روانه شوند؛ زیرا افزایش فشار منجر به افزایش خشم و به دنبال آن به واکنش‌هایی همچون ابراز خشونت در قالب دگرگشی و رفتار وندال‌گونه (تخریب اموال) منجر می‌شود؛ کارهایی که افراد با پیوستن به گروه داعش انجام می‌دهند.

نظریه احساس محرومیت نسبی پیتر و جودیت بلاو

محرومیت نسبی به عنوان برداشت بازیگران از وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی‌شان یا به معنای دقیق‌تر، انتظارات فزاینده و شکاف میان وضع موجود و وضع مطلوبی که فرد انتظار دارد، تعریف می‌شود که سوق‌دهنده فرد به سوی احساس محرومیت نسبی به‌شمار می‌رود (Gurr, 1998: 54). نظریه محرومیت نسبی بر مبنای مقایسه قرار دارد. بنا به نظریه مقایسه اجتماعی لئون فستینگر هرگاه افراد به خواسته‌های عینی خود در زندگی اجتماعی دست پیدا نکنند، باورها و استعداد‌های خود را با باورها و استعداد‌های دیگران مقایسه می‌کنند. چنانچه افراد در پی ارزیابی شخصی باورها و استعداد‌های خود باشند، تمایل خواهند داشت که خود را با اشخاصی که باورها و استعداد‌های آنان شبیه خود آن‌هاست، مقایسه کنند و نه با اشخاصی که باورها و استعداد‌هایشان با آن‌ها تفاوت فاحش دارد (Mohseni Tabrizi, 2004: 78-83).

براساس رویکرد محرومیت نسبی، حس جمعی بی‌عدالتی اجتماعی به‌شکل مستقیم به نابرابری درآمد مربوط است که در اجتماع‌ها یا ملت‌هایی که زندگی دارا و ندار به یکدیگر وابسته‌اند به‌وجود می‌آید. مفهوم محرومیت نسبی را جامعه‌شناسانی چون پیتربلاو و جودیت بلاو مطرح کرده‌اند که مفاهیمی از نظریهٔ آنومی را با یافته‌هایشان در مدل بی‌سازمانی اجتماعی ترکیب کرده‌اند. این نظریه‌پردازان معتقدند که مردم به مقایسهٔ بین خود و امکانات طبقهٔ بالاتر دست می‌زنند و از این نظر محرومیت نسبی برای همه به‌وجود می‌آید و اقدام به کارهای غیرقانونی برای رسیدن به سطح بالاتر را محتمل می‌سازد. شاید بتوان در این زمینه توزیع نامناسب درآمد و تفاوت به‌نسبت زیاد در سطح زندگی گروه‌های مختلف مردم در یک جامعه را از مهم‌ترین علت‌ها در بروز کج‌روی از جمله گرایش به رفتارهای پرخاش‌جویانه در قالب پیوستن به گروه داعش برشمرد.

نظریهٔ نابهنجاری رابرت مرتن

در الگوی نظری مرتن، آنومی فشاری است که هنگام ستیز هدف‌ها و هنجارهای پذیرفته‌شدهٔ جامعه با واقعیت‌های اجتماعی بر افراد وارد می‌آید؛ حالت مبهمی در بستر ارتباط فرد با جامعه که در آن هنجارها یا از میان رفته و یا تضعیف شده‌اند و یا باهم تضاد دارند. این وضعیت ارزش‌ها و هدف‌های مشترک را از افراد جامعه می‌گیرد و سبب می‌شود که آنان دیگر رهنمودهای رفتاری و خطوط راهنمای اخلاقی روشنی را برای خود نیابند. بدین‌گونه در این تبیین، کج‌روی نتیجهٔ نارسایی‌های موجود در فرهنگ و ساخت اجتماعی جامعه است (Salimi and Delavari, 2007: 328). بنابراین، مرتن منشأ انحراف را در درون فرهنگ و ساختار اجتماعی و نه در شکست‌های افراد منحرف جست‌وجو می‌کند. وی معتقد است که این جامعه است که از راه شکاف و نارسایی بین هدف‌های مقبول خود و روش‌های مقبول رسیدن به آن هدف‌ها فشار عظیمی را بر مردم وارد می‌کند و آن‌ها را به‌جای هم‌نوایی به کج‌روی وادار می‌کند. در نهایت مرتن کج‌روی را به شکاف بین هدف‌ها و ابزار مقبول اجتماعی مربوط می‌سازد.

ضعف نظام سیاسی عامل عقب‌ماندگی اقتصادی در آسیای مرکزی

در فرایند توسعه و نوسازی بر بررسی نقش نظام سیاسی و دولت در روند توسعه و رشد اقتصادی تأکید زیادی می‌شود. به باور متفکران، عامل سیاسی می‌تواند کشور را به شرایط عقب‌ماندگی بیشتر و فقر و فلاکت بکشاند. یا برعکس توسعه را محقق کند. در یک کشور باید ابتدا نظم و ثبات سیاسی برقرار کرد تا ثبات اقتصادی رخ دهد. گروه‌های حاکم دارای قدرت سیاسی با انتخاب برنامه‌های اقتصادی و اجرای آن‌ها به هر روش

که می‌دانند موجب هدایت اقتصادی به‌سوی توسعه می‌شوند. حال آنکه در آسیای مرکزی، دولت قانون‌مدار با اقتصاد بازار و جامعه مدنی قدرتمند که همه پیش‌شرط‌های لازم اجتماعی و اقتصادی برای مردم‌سالاری را داشته باشند، وجود ندارد. از سوی دیگر نیروهای مخالف و اصلاح‌طلب این کشورها نیز به دلیل اختلاف‌ها و شکاف داخلی و همچنین نداشتن راهبردی تعریف‌شده برای رسیدن به هدف‌های خود، همچنان به‌عنوان نیرویی ضعیف شناخته می‌شوند که نتوانسته‌اند سازوکارهای لازم را برای مشارکت سازنده در فرایندهای مختلف سیاسی این جوامع تعریف و تثبیت کنند (Kukeyeva and Shkapyak, 2013: 3-4). با این حال برخی پژوهشگران مستقل چنین ادعا می‌کنند که سایر ملاحظات مانند شروع تدریجی قوام‌بخشی و تثبیت قدرت مقام ریاست‌جمهوری در این جمهوری‌ها و همچنین اولویت‌دهی به مدل آسیایی توسعه سیاسی و اجتماعی اقتصادی که بر اساس آن‌ها توسعه اقتصادی بر هر نوع اصلاحات سیاسی و گفتمان دولتی غلبه دارد، سبب ایجاد رویکردهایی ملی‌گرایانه به‌سوی توسعه مردم‌سالار شده است. در نتیجه همه پنج جمهوری آسیای مرکزی در مسیر مدل آسیایی مردم‌سالاری قدم گذاشته‌اند و سعی در نسخه‌برداری از نظام‌های سیاسی کشورهایی چون کره جنوبی، تایلند و سنگاپور دارند. هرچند نظام‌های سیاسی این کشورها متفاوت از مردم‌سالاری‌های غربی است؛ اما همه آن‌ها به‌عنوان دولت‌هایی مردم‌سالار شناخته می‌شوند.

در نتیجه می‌توان نظام‌های سیاسی دولت‌های منطقه آسیای مرکزی را به‌عنوان «اقتدارگرایی روشنفکری»^۱ معرفی کرد که رهبران آن‌ها نماینده ثبات و پیش‌بینی‌پذیری سیاسی هستند و همه ابعاد اصلی را در سیاست‌های داخلی و خارجی تعیین می‌کنند. همچنین نماد و تضمین‌کننده ملت و قدرت کشور هستند (Bunstra, 2012: 6-7). در نتیجه مهم‌ترین چالش پیش روی نخبگان و تصمیم‌گیران سیاسی این کشورها، همچنان یافتن راهی برای ترکیب ارزش‌های جهانی مردم‌سالاری در کنار ویژگی‌های خاص توسعه منطقه‌ای و توسعه مدل‌های مردم‌سالار انطباق‌پذیر و پذیرفتنی از سوی فرهنگ سیاسی خاص این منطقه خواهد بود؛ مدل‌هایی که در هم‌زمان بتوانند با استانداردهای جهانی توسعه سیاسی مردم‌سالار نیز هم‌خوانی داشته باشند. از سوی دیگر، نخبگان و تصمیم‌گیران سیاسی آسیای مرکزی باید بدانند که نظام‌های سیاسی کنونی این منطقه بیشترین شباهت را با هم دارند. همه نظام‌های منطقه عناصری از اقتدارطلبی مثبت و منفی نشان می‌دهند. البته در بسیاری دیگر از نظام‌های سیاسی مشابه در سراسر جهان نیز دیده می‌شود (Mankoff, 2013: 9-12). با این حال تا اواخر دهه ۱۹۹۰ مشخص شد که این جمهوری‌ها به‌جای مشارکت در جنبشی گسترده به‌سوی مردم‌سالاری، به شیوه‌های مختلف

این روند را با موانع جدی روبه‌رو ساخته‌اند. مؤسسه «خانه آزادی» در سال ۱۹۹۸ بسیاری از جمهوری‌های آسیای مرکزی را در کنار دولت‌هایی چون عراق، کره شمالی و یوگسلاوی در ردیف اقتدارطلب‌ترین رژیم‌های جهان معرفی کرد (Karatnycky, 1998). بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران این منطقه، پیشتر نیز به تاریخچه رژیم‌های سرکوبگر و وجود فرهنگ و سنت خاص این منطقه که حامی اشکال اقتدارطلب حاکمیت بوده است، اشاره داشتند. همچنین برخی نویسندگان به سطح پایین توسعه سیاسی اجتماعی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین موانع توسعه سیاسی جمهوری‌های آسیای مرکزی اشاره کرده‌اند (Rustemova, 2011: 30-39). تفاوت‌های مهم و بنیادین میان انواع اقتدارطلبی در آسیای مرکزی ناشی از تنوع عامل‌های تأثیرگذار بر توسعه سیاسی منطقه است. به نظر می‌رسد که این پنج عامل به‌هم وابسته بتوانند توضیح‌بخش تفاوت نظام‌های سیاسی در جمهوری‌های آسیای مرکزی باشند: الگوهای دولت‌ساز، تفاوت در نوسازی در زمان اتحاد شوروی، فروپاشی نظام شوروی، شخصیت و ویژگی‌های رهبران و سیاست‌های پسااستقلال (Melvin, 2011: 2). رژیم‌های آسیای مرکزی چند دهه پس از استقلال به‌جای توسعه پایدار سیاسی و اقتصادی شاهد ناکارآمدی نظام‌های دولتی، فساد گسترده، سطح پایین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، فرایند از میان برداشتن نهادهای مختلف و جایگزینی آن با شبکه‌های غیررسمی به‌عنوان شکل مسلط سازمان‌دهی در منطقه و همچنین پس‌رفت در حوزه‌های صنعتی هستند. در همین حال، مشکلات اجتماعی و امنیتی، مسائل مربوط به تروریسم، ناآرامی‌های داخلی و مشکلات فرهنگی نیز رو به وخیم‌تر شدن رفته‌اند. بنابراین می‌توان گفت که رژیم‌هایی با فقر مطلق، نظام‌های سیاسی فاسد، میزان جرم و جنایت بالا، ساختارهای سرکوب‌کننده قدرت، تعقیب قضائی مخالفان، نقض گسترده حقوق بشر و نبود اصلاحات مردم‌سالار به نظر توانایی کافی برای حل مشکلات اقتصادی و گسترش توسعه را نداشته‌اند. در نهایت نیز توان لازم برای مقابله با تهدیدهای اسلام‌گرایی افراطی از جمله داعش را ندارند (The Soufan Group, 2015: 5-20).

جمع‌بندی چارچوب نظری

همان‌گونه که اشاره شد، صاحب‌نظران رویکرد نظری فشار اجتماعی همچون رابرت اگنیو، رابرت مرتن، جودیت بلاو و پیتر بلاو، وجود فشارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر افراد و نیز محدودیت در راه رسیدن به هدف‌های نهادینه‌شده نظام اجتماعی را در گرایش افراد به کج‌رفتاری (در اینجا کارهای پرخاشجویانه در پیوستن به گروه داعش) مؤثر می‌دانند. با این تفاوت که رابرت اگنیو این فشار را ناشی از فشار و محدودیت‌های اجتماعی و اقتصادی، رابرت مرتن این فشار را ناشی از شکاف بین هدف‌ها و ابزارهای نهادینه‌شده در راه رسیدن به

هدف‌ها و در نهایت پیتر بلاو و جودیت بلاو این فشار را ناشی از شکاف بین وضع موجود و وضع مطلوب (ایده‌آل) افراد در نظر می‌گیرند. در رابطه با رویکردهای نظری مطرح در ارتباط با موضوع این نوشتار می‌توان چنین گفت که از فشارهای وارده بر افراد، فشارهای اقتصادی است. بنابراین از آنجاکه ابزار لازم برای دسترسی به هدف‌های موردنظر در اختیار همه افراد جامعه قرار نمی‌گیرد، در نتیجه آن‌ها با مقایسه‌ای که بین خود و دیگران از وضع موجود و مطلوب به‌ویژه در بعد ارزش‌های مادی انجام می‌دهند احساس محرومیت نسبی می‌کنند. در نتیجه آمادگی و استعداد لازم را برای پرداختن به کارهای کج‌روانه و پیگیری هدف‌ها و کارهای خود در آن گروه را دارند. گروه داعش نیز با توجه به این ضعف یعنی فشارهای اقتصادی که در کشورهای هم‌سود وجود دارد، با تبلیغات گسترده‌ای که انجام می‌دهد، به عضوگیری از این کشورها اقدام می‌کند.

با توجه به این عامل‌ها بسیاری از تحلیل‌گران، رشد اسلام‌گرایی افراطی در منطقه را بیش از آنکه نتیجه تبلیغات گروه‌های خارجی بدانند، ناشی از شرایط اجتماعی اقتصادی و فرهنگی کشورهای آسیای مرکزی می‌دانند (Mahnovski and Others, 2006: 9-15). بیکاری و استفاده مناسب نکردن از نیروی انسانی از اصلی‌ترین مشکلات اقتصادی آسیای مرکزی به‌شمار می‌روند. بهبود نسبی اقتصادهای منطقه پس از کاهش شدید میزان تولیدات این کشورها در فردای فروپاشی اتحاد شوروی نیز نتوانست از بار سنگین بیکاری بخش عظیمی از جمعیت جوان و در سن رشد آسیای مرکزی بکاهد. کاهش شدید و ناگهانی میزان تولیدات در دهه ۱۹۹۰ در کنار تغییر گسترده در نحوه توزیع درآمدها از اصلی‌ترین دلایل ایجاد فقر گسترده در آسیای مرکزی است (IMF Annual Reports, 2005 – 2015). در بسیاری از بخش‌های این منطقه این برداشت وجود دارد که منابع موجود به‌واسطه ارتباطات نخبگان حاکم و به ضرر شهروندان عادی بین طبقه حاکم توزیع شده است (Schenkkan, 2016: 3-5). از سویی گروه بزرگ کارگران مهاجر آسیای مرکزی در روسیه نیز در تأثیر تحریم‌های غرب علیه این کشور، بخش مهمی از درآمد خود را از دست دادند. این کارگران که در بسیاری از موارد اصلی‌ترین منبع درآمد خانواده‌های معمولاً پرجمعیت خود در کشورهايشان هستند با فشار فزاینده‌ای روبه‌رو شدند. در این شرایط امید به دست آوردن درآمد بهتر و بهبود شرایط اقتصادی سبب شد تا بسیاری از این کارگران مهاجر که زمینه‌های پیوستن به گروه‌های افراطی را از قبل داشتند در دام داعش گرفتار شوند و از راه شبکه‌های عضوگیری این گروه تروریستی در روسیه به عراق و سوریه بروند. بسیاری از این کارگران حتی خانواده‌های خود را نیز با خود به سوریه و عراق برده‌اند.

فرضیه‌های پژوهش

در راستای پاسخ‌گویی به پرسش پژوهش دو فرضیه اساسی مطرح می‌شود: فرضیه اول: بین شاخص‌های توسعه اقتصادی کشورهای هم‌سود که داعش از میان آن‌ها عضوگیری کرده است تفاوت معناداری وجود دارد؛ فرضیه دوم: بین شاخص‌های توسعه اقتصادی کشورهای هم‌سود مورد بررسی و گرایش به گروه داعش رابطه معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت پژوهش در شمار پژوهش‌های توصیفی و از نوع همبستگی قلمداد می‌شود. افزون بر این برای گردآوری داده‌های پژوهش از روش کمی و از نوع تحلیل ثانویه به‌ویژه با رجوع به آمار و ارقام شاخص‌های توسعه اقتصادی منتشرشده در سایت مؤسسه مطالعات بین‌الملل فنلاند (۲۰۱۵) در رابطه با کشورهای مورد بررسی آسیای مرکزی یعنی قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و تاجیکستان که گروه داعش از آنان عضوگیری کرده، استفاده شده است. پس از جمع‌آوری داده‌های مربوط به نرخ و رتبه‌بندی شاخص‌های مختلف توسعه اقتصادی ۵ کشور مورد بررسی هم‌سود در مقیاس جهانی، نرخ شاخص‌های مختلف اقتصادی در میان ۵ کشور نیز از نظر میزان برخورداری از کد ۱ تا کد ۵ رتبه‌بندی شدند. لازم به ذکر است که برای شاخص‌های بیکاری و نیز درصد جمعیت زیر خط فقر، رتبه ۱ بیانگر بدترین رتبه و رتبه ۵ بیانگر بهترین رتبه در نظر گرفته شده است. در مقابل، برای شاخص‌های انجام فعالیت‌های تجاری، سرانه تولید ناخالص ملی و امتیاز آزادی اقتصادی رتبه ۱ بیانگر بهترین رتبه و رتبه ۵ بیانگر بدترین است. پس از کدگذاری شاخص‌های اقتصادی به دست آمده، داده‌ها به نرم‌افزار اس. پی. اس. وارد شد و در دو بخش تحلیل توصیفی و تحلیل استنباطی تحلیل شده‌اند.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در دو بخش تحلیل توصیفی و تحلیل استنباطی به این شرح ارائه می‌شوند:

الف) تحلیل توصیفی

همان‌گونه که آماره‌نما نشان می‌دهد کشور ازبکستان بیشترین تعداد جنگجو در گروه داعش را در میان ۵ کشور مورد بررسی قرار می‌دهد.

جدول ۱. توزیع فراوانی تعداد جنگجویان داعش از مناطق مختلف کشورهای هم‌سود

کشورها	فراوانی	درصد فراوانی
قرقیزستان	۱۰۰	۷/۱
تاجیکستان	۱۹۰	۱۳/۶
قزاقستان	۲۵۰	۱۷/۹
ترکمنستان	۳۶۰	۲۵/۷
ازبکستان	۵۰۰	۳۵/۷
تعداد کل	۱۴۰۰	۱۰۰۰۰

نما: ۵ (ازبکستان)

Source: **The Soufan Group** (2015), "Foreign Fighters, an Updated Assessment of the Flow of Foreign Fighters into Syria and Iraq", Available at: http://soufangroup.com/wp-content/uploads/2015/12/TSG_ForeignFightersUpdate_FINAL3.pdf, (Accessed on: 12/10/2017).

جدول ۲. توزیع شاخص‌های توسعه اقتصادی و رتبه جهانی مناطق مختلف کشورهای هم‌سود در عضوگیری گروه داعش

شاخص‌های توسعه اقتصادی ^۱	قزاقستان		ازبکستان		ترکمنستان		قرقیزستان		تاجیکستان	
	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	
شاخص بیکاری	۵۱	۳	۴۷	۲	۶۰٪	۵	۹۶	۴	۱۸	
درصد جمعیت زیر خط فقر	۱۳۳	۵	۸۲	۴	۳۰٪	۹۹	۴۲	۲	۱۵	
شاخص انجام فعالیت‌های تجاری	-	۱	۱۴۱	۳	-	-	۱۰۲	۲	۱۹۶	
سرانه تولید ناخالص ملی	۲۴۱۰٪	۱	۱۶۴	۳	۱۳۳۰٪	۲	۱۸۱	۴	۱۹۳	
امتیاز آزادی اقتصادی	۶۳۳	۱	۱۶۰	۴	۴۱۴	۵	۱۷۲	۲	۱۴۰	

Source: **The Soufan Group** (2015), "Foreign Fighters, an Updated Assessment of the Flow of Foreign Fighters into Syria and Iraq", Available at: http://soufangroup.com/wp-content/uploads/2015/12/TSG_ForeignFightersUpdate_FINAL3.pdf, (Accessed on: 12/10/2017).

۱. برای شاخص‌های بیکاری و درصد جمعیت زیر خط فقر رتبه ۱ بیانگر بدترین رتبه ولی برای سایر شاخص‌ها رتبه ۱ بیانگر بهترین رتبه است.

همان‌گونه که توزیع شاخص‌های توسعه اقتصادی و رتبه جهانی مناطق مختلف کشورهای هم‌سود که گروه داعش از آنان عضوگیری کرده (جدول ۲) نشان می‌دهد:

۱. کشورهای تاجیکستان، ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان و ترکمنستان به ترتیب بیشترین تا کمترین نرخ بیکاری را در میان کشورهای هم‌سود محل عضوگیری داعش دارند؛

۲. کشورهای تاجیکستان، قرقیزستان، ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان به ترتیب بیشترین تا کمترین درصد جمعیت زیرخط فقر را در میان کشورهای هم‌سود محل عضوگیری داعش دارند؛

۳. کشورهای قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان به ترتیب بیشترین تا کمترین رتبه را در میان کشورهای هم‌سود محل عضوگیری داعش از نظر شاخص انجام فعالیت‌های تجاری دارند. لازم به ذکر است که از این نظر برای کشور ترکمنستان رتبه‌ای ذکر نشده است؛

۴. کشورهای قزاقستان، ترکمنستان، ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان به ترتیب بیشترین تا کمترین سرانه تولید ناخالص ملی را در میان کشورهای هم‌سود محل عضوگیری داعش دارند.

ب) تحلیل استنباطی: در این مرحله به منظور آزمون فرضیه‌ها از تحلیل استنباطی داده‌ها در دو بخش تحلیل مقایسه‌ای (آزمون تفاوت معناداری) و تحلیل دو متغیره (تحلیل رابطه و همبستگی) پرداخته می‌شود.

۱. تحلیل مقایسه‌ای (آزمون تفاوت معناداری)

فرضیه اول پژوهش: بین شاخص‌های توسعه اقتصادی کشورهای هم‌سود که داعش از میان آن‌ها عضوگیری کرده است تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به اینکه متغیر وابسته پژوهش (شاخص‌های توسعه اقتصادی) در سطح سنجش مقیاس رتبه‌ای و متغیر مستقل (کشورهای هم‌سود مورد بررسی) در سطح سنجش مقیاس اسمی چند شقی هستند؛ برای آزمون فرضیه اول پژوهش از آمار ناپارامتریک کروسکال استفاده شده است. در ادامه شاخص‌های مختلف توسعه اقتصادی در میان پنج کشور هم‌سود مورد بررسی، تحلیل مقایسه‌ای (آزمون تفاوت معناداری) می‌شوند.

همان‌گونه که یافته‌های جدول ۳ میانگین رتبه‌ها و نیز سطح معناداری ضریب کی دو آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد، بین رتبه نرخ بیکاری برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو گروه داعش تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد. بدین ترتیب که کشورهای تاجیکستان، ازبکستان و قزاقستان به ترتیب بیشترین و کشورهای ترکمنستان و قرقیزستان به ترتیب کمترین رتبه نرخ بیکاری را برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو گروه داعش نشان دادند. بنابراین فرض پژوهش تأیید می‌شود.

جدول ۳. توزیع رتبه نرخ بیکاری برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو گروه داعش

شاخص	کشورهای هم‌سود عضو گروه داعش	تعداد جنگجویان	آزمون کروسکال والیس		sig	df
			میانگین رتبه‌ها	مقدار کی دو		
نرخ بیکاری	قرقیزستان	۱۰۰	۴۱۰/۵۰	۱۳۹۹/۰۰۰	۰/۰۰۰	۴
	تاجیکستان	۱۹۰	۱۳۰۵/۵۰			
	قزاقستان	۲۵۰	۵۸۵/۵۰			
	ترکمنستان	۳۶۰	۱۸۰/۵۰			
	ازبکستان	۵۰۰	۹۶۰/۵۰			
	نمونه کل	۱۴۰۰	-			

Source: authors.

جدول ۴. توزیع رتبه درصد جمعیت زیر خط فقر برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو گروه داعش

شاخص	کشورهای هم‌سود عضو گروه داعش	تعداد جنگجویان	آزمون کروسکال والیس		sig	df
			میانگین رتبه‌ها	مقدار کی دو		
درصد جمعیت زیر خط فقر	قرقیزستان	۱۰۰	۱۱۶۰/۵۰	۱۳۹۹/۰۰۰	۰/۰۰۰	۴
	تاجیکستان	۱۹۰	۱۳۰۵/۵۰			
	قزاقستان	۲۵۰	۱۲۵/۵۰			
	ترکمنستان	۳۶۰	۹۳۰/۵۰			
	ازبکستان	۵۰۰	۵۰۰/۵۰			
	نمونه کل	۱۴۰۰	-			

Source: authors.

همان‌گونه که یافته‌های جدول ۴ میانگین رتبه‌ها و نیز سطح معناداری ضریب کی دو آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد بین رتبه درصد جمعیت زیر خط فقر برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو گروه داعش تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد. بدین ترتیب که کشورهای تاجیکستان، قرقیزستان و ترکمنستان به ترتیب بیشترین و کشورهای قزاقستان و ازبکستان به ترتیب کمترین رتبه درصد جمعیت زیر خط فقر را برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو گروه داعش نشان دادند. بنابراین فرض پژوهش تأیید می‌شود.

جدول ۵. توزیع رتبه نرخ انجام فعالیت‌های تجاری برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو گروه داعش

شاخص	کشورهای هم‌سود عضو گروه داعش	آزمون کروسکال والیس		
		تعداد جنگجویان	میانگین رتبه‌ها	مقدار کی دو
df	sig			
	قرقیزستان	۱۰۰	۷۴۰/۵۰	
	تاجیکستان	۱۹۰	۹۵/۵۰	
نرخ انجام فعالیت‌های تجاری	قزاقستان	۲۵۰	۹۱۵/۵۰	۰/۰۰۰
	ازبکستان	۵۰۰	۴۴۰/۵۰	۳
	نمونه کل	۱۰۴۰	-	۱۰۳۹/۰۰۰

Source: authors.

همان‌گونه که یافته‌های جدول ۵ مربوط به میانگین رتبه‌ها و نیز سطح معناداری ضریب کی دو آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد، بین رتبه نرخ انجام فعالیت‌های تجاری برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو گروه داعش تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد. بدین ترتیب کشورهای قزاقستان و قرقیزستان به ترتیب بیشترین و کشورهای تاجیکستان و ازبکستان به ترتیب کمترین رتبه نرخ انجام فعالیت‌های تجاری را برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو گروه داعش نشان دادند.^۱ بنابراین فرض پژوهش تأیید می‌شود.

جدول ۶. توزیع رتبه نرخ سرانه تولید ناخالص ملی برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو گروه داعش

شاخص	کشورهای هم‌سود عضو گروه داعش	آزمون کروسکال والیس		
		تعداد جنگجویان	میانگین رتبه‌ها	مقدار کی دو
df	sig			
	قرقیزستان	۱۰۰	۲۶۰/۹۰	
	تاجیکستان	۱۹۰	۹۵/۵۰	
نرخ سرانه تولید ناخالص ملی	قزاقستان	۲۵۰	۱۲۷۵/۵۰	۰/۰۰۰
	ترکمنستان	۳۶۰	۹۶۹/۰۰	۴
	ازبکستان	۵۰۰	۵۳۷/۵۰	۱۳۸۸/۷۸۲
	نمونه کل	۱۴۰۰	-	

Source: authors.

۱. برای کشور ترکمنستان در رابطه با شاخص انجام فعالیت‌های تجاری رتبه‌ای ذکر نشده است.

همان‌گونه که یافته‌های جدول ۶ مربوط به میانگین رتبه‌ها و نیز سطح معناداری ضریب کی دو آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد، بین رتبه نرخ سرانه تولید ناخالص ملی برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو گروه داعش تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد. بدین ترتیب کشورهای قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان به ترتیب بیشترین و کشورهای تاجیکستان و قرقیزستان به ترتیب کمترین رتبه نرخ سرانه تولید ناخالص ملی را برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو گروه داعش نشان دادند. بنابراین فرض پژوهش تأیید می‌شود.

جدول ۷. توزیع رتبه امتیاز آزادی اقتصادی برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو گروه داعش

شاخص	کشورهای هم‌سود عضو گروه داعش	تعداد جنگجویان	میانگین رتبه‌ها	مقدار کی دو	df	sig
نرخ امتیاز آزادی اقتصادی	قرقیزستان	۱۰۰	۱۱۰۰/۹۰	۱۳۹۹/۰۰۰	۴	۰/۰۰۰
	تاجیکستان	۱۹۰	۹۵۵/۵۰			
	قزاقستان	۲۵۰	۱۲۷۵/۵۰			
	ترکمنستان	۳۶۰	۱۸۰/۵۰			
	ازبکستان	۵۰۰	۶۱۰/۵۰			
	نمونه کل	۱۴۰۰				

Source: authors.

همان‌گونه که یافته‌های جدول ۷ مربوط به میانگین رتبه‌ها و نیز سطح معناداری ضریب کی دو آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد، بین رتبه امتیاز آزادی اقتصادی برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو گروه داعش تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد. بدین ترتیب کشورهای قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان به ترتیب بیشترین و کشورهای ترکمنستان و ازبکستان به ترتیب کمترین رتبه امتیاز آزادی اقتصادی را برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو گروه داعش نشان دادند. بنابراین فرض پژوهش تأیید می‌شود.

همان‌گونه که یافته‌های جدول ۸ میانگین رتبه‌ها و نیز سطح معناداری ضریب کی دو آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد بین رتبه امتیاز عامل توسعه اقتصادی برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو گروه داعش تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد. بدین ترتیب کشورهای قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان به ترتیب بیشترین و کشورهای ازبکستان به ترتیب کمترین رتبه امتیاز عامل توسعه اقتصادی را برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو گروه داعش نشان دادند. بنابراین با توجه به آنچه آمد، فرضیه اول پژوهش مبنی بر اینکه بین شاخص‌های توسعه اقتصادی کشورهای هم‌سود که داعش از میان آن‌ها عضوگیری کرده است تفاوت معناداری وجود دارد، تأیید می‌شود.

جدول ۸. توزیع رتبه امتیاز عامل توسعه اقتصادی برحسب تعداد جنگجویان کشورهای هم‌سود عضو گروه داعش

عامل	کشورهای هم‌سود عضو گروه داعش	تعداد جنگجویان	آزمون کروسکال والیس		
			میانگین رتبه‌ها	مقدار کی دو	df
	قرقیزستان	۱۰۰	۶۴۸/۳۵		
رتبه امتیاز عامل	تاجیکستان	۱۹۰	۶۴۴/۰۰		
توسعه اقتصادی	قزاقستان	۲۵۰	۹۱۵/۵۰	۱۰۳۸/۲۰۶	۰/۰۰۰
	ازبکستان	۵۰۰	۲۵۰/۵۰		
	نمونه کل	۱۰۴۰			

Source: authors.

۲. تحلیل دومتغیره (آزمون رابطه معناداری)

فرضیه دوم پژوهش: بین شاخص‌های توسعه اقتصادی کشورهای هم‌سود مورد بررسی و گرایش به گروه داعش رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به اینکه متغیر وابسته پژوهش (گرایش به گروه داعش) و نیز متغیر مستقل (شاخص‌های توسعه اقتصادی کشورهای هم‌سود مورد بررسی) در سطح سنجش مقیاس رتبه‌ای هستند؛ برای آزمون فرضیه دوم پژوهش از آمار ناپارامتریک تا او-کندال استفاده شده است. در ادامه شاخص‌های مختلف توسعه اقتصادی کشورهای هم‌سود مورد بررسی و گرایش به گروه داعش تحلیل دومتغیره (آزمون رابطه معناداری) بررسی می‌شود.

جدول ۹. میزان همبستگی شاخص‌های توسعه اقتصادی کشورهای هم‌سود مورد بررسی و گرایش

شاخص‌ها	تعداد جنگجویان هم‌سود در گروه داعش	ضریب همبستگی تا او - کندال	
		میزان همبستگی	سطح معناداری
شاخص بیکاری	۱۴۰۰	۰/۰۹	۰/۰۰۰
درصد جمعیت زیرخط فقر	۱۴۰۰	-۰/۳۷	۰/۰۰۰
شاخص انجام فعالیت‌های تجاری	۱۰۴۰	-۰/۰۸	۰/۰۰۶
سرانه تولید ناخالص ملی	۱۴۰۰	-۰/۱۳	۰/۰۰۰
امتیاز آزادی اقتصادی	۱۴۰۰	-۰/۳۱	۰/۰۰۰
عامل توسعه اقتصادی (شاخص کل)	۱۰۴۰	-۰/۵۷	۰/۰۰۰

Source: authors.

همان‌گونه که یافته‌های جدول ۹ نیز نشان می‌دهد بین شاخص‌های توسعه اقتصادی کشورهای هم‌سود مورد بررسی و گرایش به گروه داعش رابطه و همبستگی معناداری در سطح خطا ۰/۰۱ وجود دارد. بدین ترتیب که:

۱. بین شاخص بیکاری کشورهای هم‌سود مورد بررسی و گرایش به گروه داعش رابطه و همبستگی معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد. جهت این رابطه نیز مثبت است و بیانگر آن است که هرچه نرخ بیکاری در کشورهای هم‌سود مورد بررسی افزایش یابد، گرایش شهروندان به گروه داعش افزایش می‌یابد. بنابراین فرضیه پژوهش در رابطه با این شاخص تأیید می‌شود؛

۲. بین شاخص درصد جمعیت زیرخط فقر کشورهای هم‌سود مورد بررسی و گرایش به گروه داعش رابطه و همبستگی معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد. جهت این رابطه نیز منفی است و بیانگر آن است که هرچه درصد جمعیت زیرخط فقر در کشورهای هم‌سود مورد بررسی کاهش یابد، گرایش شهروندان به گروه داعش افزایش می‌یابد. بنابراین فرضیه پژوهش در رابطه با این شاخص رد می‌شود.

۳. بین شاخص انجام فعالیت‌های تجاری کشورهای هم‌سود مورد بررسی و گرایش به گروه داعش رابطه و همبستگی معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد. جهت این رابطه نیز منفی است و بیانگر آن است که هرچه انجام فعالیت‌های تجاری در کشورهای هم‌سود مورد بررسی کاهش یابد، گرایش شهروندان به گروه داعش افزایش می‌یابد. بنابراین فرضیه پژوهش در رابطه با این شاخص تأیید می‌شود.

۴. بین شاخص سرانه تولید ناخالص ملی کشورهای هم‌سود مورد بررسی و گرایش به گروه داعش رابطه و همبستگی معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد. جهت این رابطه نیز منفی است و بیانگر آن است که هرچه سرانه تولید ناخالص ملی در کشورهای هم‌سود مورد بررسی کاهش یابد، گرایش شهروندان به گروه داعش افزایش می‌یابد. بنابراین فرضیه پژوهش در رابطه با این شاخص تأیید می‌شود.

۵. بین شاخص امتیاز آزادی اقتصادی کشورهای هم‌سود مورد بررسی و گرایش به گروه داعش رابطه و همبستگی معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد. جهت این رابطه نیز منفی است و بیانگر آن است که هرچه امتیاز آزادی اقتصادی در کشورهای هم‌سود مورد بررسی کاهش یابد، گرایش شهروندان به گروه داعش افزایش می‌یابد. بنابراین فرضیه پژوهش در رابطه با این شاخص تأیید می‌شود.

۶. بین عامل توسعه اقتصادی کشورهای هم‌سود مورد بررسی و گرایش به گروه داعش رابطه و همبستگی معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد. جهت این رابطه نیز منفی است و بیانگر آن است که هرچه عامل توسعه اقتصادی در کشورهای هم‌سود مورد بررسی کاهش

یابد؛ گرایش شهروندان به گروه داعش افزایش می‌یابد. بنابراین فرضیه پژوهش در رابطه با این عامل تأیید می‌شود. با توجه به یافته‌های پژوهش، فرضیه دوم پژوهش مبنی بر اینکه بین شاخص‌های توسعه اقتصادی کشورهای هم‌سود مورد بررسی و گرایش به گروه داعش رابطه معناداری وجود دارد (به جز شاخص درصد جمعیت زیرخط فقر که رابطه معکوسی را نشان داد)، تأیید می‌شود.

نتیجه

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین شاخص‌های اقتصادی و گرایش به اسلام افراطی در آسیای مرکزی (مطالعه موردی پنج کشور هم‌سود قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و تاجیکستان) انجام شده است. از این منظر پس از تشریح دلایل گسترش خوانشی افراط‌گرایانه از دین در آسیای مرکزی با استفاده از رویکرد تلفیقی جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی سیاسی در قالب نظریه‌های فشار عمومی رابرت اگنیو، احساس محرومیت نسبی پیتر و جودیت بلاو و نظریه بی‌سازمانی و یا نابهنجاری رابرت مرتن به تبیین نظری موضوع پرداخته شده است و ضمن جمع‌بندی چارچوب نظری در ارتباط با موضوع پژوهش به تبیین تجربی موضوع پرداخته شد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد از میان پنج کشور مورد بررسی، کشورهای قرقیزستان با ۷/۱ درصد، تاجیکستان با ۱۳/۶ درصد، قزاقستان با ۱۷/۹ درصد، ترکمنستان با ۲۵/۷ درصد، ازبکستان با ۳۵/۷ درصد به ترتیب بیشترین تا کمترین تعداد جنگجو را در گروه داعش دارند. همچنین در تحلیل استنباطی در بخش تحلیل مقایسه‌ای مشخص شد که تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ بر اساس آزمون کروسکال والیس بین شاخص‌های اقتصادی همچون نرخ بیکاری، درصد جمعیت زیرخط فقر، شاخص انجام فعالیت‌های تجاری، سرانه تولید ناخالص ملی و امتیاز آزادی اقتصادی در میان کشورهای مورد بررسی در مقیاس جهانی و در مقیاس رتبه‌بندی پنج‌گانه کشورها مشاهده می‌شود. علاوه بر این، در بخش تحلیل دومتغیره نشان داده شد که میان عامل توسعه اقتصادی و گرایش به داعش همبستگی به نسبت قوی به میزان منفی ۰/۵۷ وجود دارد. این مسئله بیانگر آن است که هرچه عامل‌های اقتصادی (به جز شاخص بیکاری که رابطه مستقیمی دارد) در کشورهای مورد بررسی کاهش یابد، گرایش شهروندان به گروه داعش افزایش پیدا می‌کند.

بنابراین با توجه به تبیین نظری و تبیین تجربی پژوهش حاضر می‌توان چنین گفت که پس از فروپاشی ایدئولوژی کمونیستی و سیاست ملی وابسته به آن که تا اندازه‌ای منافع اقوام مستقر در کشورهای آسیای مرکزی در دوران اتحاد شوروی را به نظام درآورد، جوامع دارای کثرت قومی مسلمان از چنین تنظیم‌گری مهمی بی‌نصیب ماندند. در چنین وضعیتی ایدئولوژی اسلامی که انسان‌ها را از روی نسبت قومی‌شان طبقه‌بندی نمی‌کند و همچون قوه متحدکننده‌ای

عمل می‌کند در کشورهای آسیای مرکزی با استقبال روبه‌رو شده و نقش عامل تنظیم‌کننده روابط بین اقوام را بر عهده گرفت. در نتیجه، به مرور زمان جنبش‌های اسلامی به تدریج رنگ ملی خود را از دست‌داده و بیشتر جهت‌گیری اسلامی به خود گرفتند. وضعیت اقتصادی روبه‌وخامت در منطقه آسیای مرکزی، ناتوانی دولت‌مردان این منطقه برای رفع مشکلات اقتصادی به همراه سرکوب شدید سبب تقویت روند اسلام‌گرایی در منطقه شده است. دو پدیده مشخص نشان‌دهنده شرایط کنونی منطقه است: نخست بدتر شدن شرایط اجتماعی-اقتصادی و دوم بدتر شدن محیط سیاسی. این شرایط در آسیای مرکزی وضعیتی را پدید آورده است که در آن گروه‌های بنیادگرای اسلامی با تبلیغات چندلایه و گسترده مردم سرخورده و مورد تبعیض قرار گرفته منطقه که درگیر مشکلات شدید اقتصادی، فقر، بیکاری و تورم هستند، را جذب می‌کنند. گروه‌های بنیادگرای اسلامی در تبلیغات، خود را پیشروی راه رستگاری معرفی می‌کنند، به مخاطبان جوان جهان‌بینی آرمان‌گرایانه می‌دهند و وعده رفع مشکلات معیشتی و اقتصادی را مطرح می‌کنند. به این ترتیب آسیای مرکزی به محیط امنی برای فعالیت‌های اسلام‌گرای بنیادی تبدیل شده است. بنابراین در پایان می‌توان گفت که هر چه منطقه سطح اقتصادی پایینی داشته باشد، رشد و گرایش به گروه‌های اسلام‌گرای افراطی بیشتر است و برعکس هر چه منطقه از سطح توسعه اقتصادی خوبی برخوردار باشد؛ گرایش به گروه‌های بنیادگرا و افراطی کمتر خواهد بود. پس گرچه نمی‌توان به قاطعیت تنها عامل اقتصادی را دخیل در رشد و گرایش به گروه‌های بنیادگرا دانست؛ اما در مقایسه با دیگر متغیرها از جمله نبود جامعه مدنی، نبود توسعه سیاسی، شفافیت نهادهای حقوقی، مطبوعات آزاد عامل اقتصادی نقش پررنگ‌تری در جذب مردم منطقه توسط گروه‌های بنیادگرا بازی می‌کند که خود مستلزم پژوهشی جداگانه‌ای است تا میزان تأثیرهای آن‌ها در گرایش به بنیادگرایی اسلامی مقایسه شود.

References

1. Aliverdinia, Akbar (2011), **Sociology of Homelessness**, Tehran: Jameeshenasan [in Persian].
2. Azizi, Hamidreza (2012), "Russia's Strategic Look toward South", in: **Commonwealth of Independent States (CIS)**, Tehran: Abrar Moaser [in Persian].
3. Bunstra, Jos (2012), "Democracy in Central Asia: Sowing in Unfertile Fields?", **EUCAM Policy Brief**, No. 23, pp. 1-5.
4. **Chatham House** (2015), "Muslim Radicalization in the Central Asian Republics", The Royal Institute of International Affairs, pp. 1-18, Available at: <https://www.opendemocracy.net/od-russia/john-heathershaw-david-w-montgomery/%E2%80%98muslim-radicalisation-of-central-asia%E2%80%99-is-dangerous-1>, (Accessed on: 29 /12 /2014).
5. Gurr, Ted Robert (1998), **Why Men Rebel**, Translated by Ali Morshedizadeh, Tehran: Strategic Studies Research Center [in Persian].
6. Heathershaw, John and W. David Montgomery (2015), "The Myth of Post-Soviet Muslim Radicalization in the Central Asian Republics", Available at: <https://www.chathamhouse.org/publication/myth-post-soviet-muslim-radicalization-central-asian-republics#sthash.uRIIdg20i.dpuf>, (Accessed on: 11/11/2014).
7. **IMF Annual Reports** (2005-2015), Available at: https://soufangroup.com/wp-content/uploads/TSG_ForeignFightersUpdate3.pdf, (Accessed on: 7/12/2015).
8. Karami, Jahangir (2004), "Russia's Policies and Security Activities in Near Abroad", in: **Commonwealth of Independent States (CIS)**, Tehran: Abrar Moaser [in Persian].
9. Karatnycky, Adrian (1998), "Nations in Transition: from Change to Permanence", Available at: <http://unpan1.un.org/intradoc/groups/public/documents/nispacee/unpan008390.pdf>, (Accessed on: 15/11/2015).
10. Koolaee, Elaheh (2010), **Politics and Government in Eurasia**, Tehran: Samt [in Persian].
11. Kukeyeva, Fatima and Oxana Shkapyak (2013), "Central Asia's Transition to Democracy", **Procedia-Social and Behavioral Sciences**, Vol. 81, No. 27, pp. 79 – 83.
12. Mahnovski, Sergei, Kamil Akramov and Theodore Karasik (2006), "Economic Dimensions of Security in Central Asia", **Project Air Force**, Available at: <https://www.rand.org/pubs/monographs/MG417.html#download>, (Accessed on: 11/6/2018).
13. Mankoff, Jeffrey (2013), "The United States and Central Asia after 2014", **CSIS**, Vol. 50, No. 21, pp. 1-31.
14. Melvin, J. Neil (2011), "Authoritarian Pathways in Central Asia: a Comparison of Kazakhstan, the Kyrgyz Republic and Uzbekistan", Available at: <https://ecpr.eu/Filestore/PaperProposal/3da4bf8b-45eb-4a46-a49d-31a05b3e5658.pdf>, (Accessed on: 12/4/2011).
15. Mohseni Tabrizi, Alireza (2004), **Vandalism**, Tehran: Ann [in Persian].

16. Rustemova, Assel (2011), "Political Economy of Central Asia: Initial Reflections on the Need for a New Approach", **Journal of Eurasian Studies**, Vol. 2, No. 1, pp. 30-39.
17. Salimi, Ali and Mohammad Delavari (2007), **Sociology of Deviance**, Qom: Theological Seminary and University Research Center [in Persian].
18. Schenkkan, Nate (2016), "A Perfect Storm in Central Asia", **Foreign Policy Papers**, Available at: <https://theguardian.com/world/isis-russia-syria-islamic-extremism>, (Accessed on: 4/4/2017).
19. **The Soufan Group** (2015), "Foreign Fighters, an Updated Assessment of the Flow of Foreign Fighters into Syria and Iraq", Available at: http://soufangroup.com/wp-content/uploads/2015/12/TSG_ForeignFightersUpdate_FINAL3.pdf, (Accessed on: 12/10/2017).

